

تأثیر سایر دیپلماسی در سیاستگذاری های امنیتی - راهبردی ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۳-۲۰۰۲)

دکتر آرمین امینی^۱، مرضیه امیری^۲

۱- عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
 ۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده:

یکی از روشهایی که در چند دهه اخیر توجه بسیاری از کشورها به ویژه ابر قدرتها (ایالات متحده آمریکا) را به خود جلب کرده دیپلماسی سایبری بوده است. دیپلماسی سایبری را شاید بتوان نوعی از دیپلماسی عمومی تفسیر کرد که شاکله و موجودیت آن از طریق اینترنت و فضای مجازی به وجود آمده است. به عبارت دیگر این دیپلماسی را می توان اعمال امور دیپلماتیک از طریق کانال سایبر در نظر گرفت، که زمینه تعامل با میلیون ها شهروند خارجی از کشورهای دیگر را فراهم می سازد. هدف این دیپلماسی می تواند تغییر در فرهنگ جوامع دیگر، همسو کردن آنها با سیاست ها و فعالیت های یک دولت خاص، بر پا کردن جنبش اعتراضی از طریق شبکه های اجتماعی، بسیج گروه های برانداز از طریق فضای سایبر، جمع آوری اطلاعات در مورد صف آرای نیروهای اجتماعی- سیاسی طرف مقابل باشد. در این مقاله سیاستگذاری های امنیتی-راهبردی ایالات متحده آمریکا با توجه به دیپلماسی سایبری در رابطه با سایر کشورها به ویژه ایران و منطقه خاورمیانه بررسی شده است. سؤال اصلی این بررسی بر مبنای تحولات دیپلماتیک که باعث به وجود آمدن دیپلماسی سایبری شده و تأثیری که این نوع دیپلماسی بر سیاستگذاری های امنیتی-راهبردی ایالات متحده آمریکا دارد شکل گرفته است.

کلید واژه ها : فضای سایبری، دیپلماسی سایبری، سیاستگذاری های امنیتی-راهبردی

مقدمه:

امروزه جهان استراتژی با وجود ابزارهای ارتباطی-اطلاعاتی نوین، تفاوت های اساسی با دوران دو قطبی و جنگ سرد پیدا کرده است به ویژه که با وقوع انقلاب اطلاعاتی در دوران پسا جنگ سرد و بر ساختن مفهوم جدیدی تحت عنوان فضای شبکه ای یا جغرافیای مجازی، کارکردها و ابزارهای استراتژی قدرتهای موثر نظام بین الملل نیز

تغییرات عمده ای یافته اند. در این میان، شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از نمادهای دهه آغازین سده ۲۱ به مثابه دهه اطلاعات و ارتباطات به صورت جغرافیای مجازی، برای ارتباط میان افراد و نهادهای مختلف و به ویژه تعاملات قدرتهای بزرگ موثر نظام بین الملل به ویژه ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت هژمون اطلاعاتی با سطوح متفاوت دسترسی به وجود آمده اند. در چنین وضعیتی جغرافیای مجازی به عنوان یک فضای اندیشه باز، پویا، نظامند و سازمان یافته عمل کرده که کارکردهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی برای دولت ها دارد. بر این اساس، از فضای اندیشه ایجاد شده می توان به صورت یک نیروی رسانه ای ایجاد ویژه در قبال کشورهای هدف بهره گرفت. ایالات متحده آمریکا کوشیده است تا با بهره گیری از استراتژی فضای اندیشه به ساماندهی نیروهای رسانه ای خیابانی و فعالان سیاسی و راه اندازی جنگ اطلاعاتی درگستره یک تهدید و جنگ نرم در قبال ایران و منطقه خاورمیانه پردازد. جوزف نای در کتاب «رهبری و قدرت هوشمند» به این نکته می پردازد که قدرت هژمان جهت پیشبرد سیاستگذاری های امنیتی خود می بایست از قدرت هوشمند برخوردار باشد و این مولفه اساسی در آغازین هزاره سوم میلادی از شاکله های اساسی جهت سیاستگذاری های امنیتی-راهبردی ایالات متحده آمریکا محسوب می شود. نویسنده به خوبی به نکات مزبور پرداخته است ولی به دلیل نگارش کتاب ذکر شده در سال ۲۰۰۸ بسیاری از تحولات سیاسی - امنیتی سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ نپرداخته است (نای، رهبری و قدرت هوشمند، ۱۳۸۷). جوزف نای در کتاب «قدرت نرم» ابزارهای موفقیت سیاست بین الملل محورهای موثر در ارتقاء قدرت نرم ایالات متحده آمریکا طی سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ را بر می شمارد و به ویژه به تأثیرگذاری این سیاستها در سیاستگذاری های نظامی - امنیتی آمریکا تأکید دارد ولی نتوانسته است به خوبی ابعاد تأثیر گذار شبکه ای شدن تعاملات امنیتی را بر درسیاستگذاری های امنیتی - راهبردی ایالت متحده آمریکا طی سالهای اخیر (۲۰۱۰-۲۰۱۳) تبیین نماید (نای، قدرت نرم، ۱۳۸۹). آرمین امینی در مقاله «حمله آمریکا به عراق» تلاش برای اغناء افکار عمومی از مقوله تأثیرگذاری قدرت نرم و اهمیت اجماع سازی جامعه جهانی در پیشبرد اهداف امنیتی - راهبردی آمریکا اشاره دارد ولی به دلیل زمان نگارش مقاله از روزآمدی مقتضی برخوردار نیست (امینی، ۱۳۸۲، ۳). الکساندر لنون در کتاب «کاربرد قدرت نرم» به مجازی شدن تعاملات بین المللی به ویژه در سالهای ابتدایی سده ۲۱ در سیاستگذاری های قدرت های مؤثر جهانی می پردازد ولی به دلیل کلی بودن مطلب مذکور و عدم پرداختن به سیاستگذاری های امنیتی - راهبردی آمریکا به صورت مستقیم به موضوع نوشتار حاضر نمی پردازد (لنون، ۱۳۸۹). نوشتار حاضر تلاش دارد در چارچوب استراتژی فضای اندیشه، کارکردها و تهدیدهای شبکه های مجازی آمریکا را در قبال ایران و منطقه خاورمیانه بررسی کند. با توجه به اینکه در عصر فن آوری اطلاعات به سر می بریم اکثر کشورها، به ویژه ابرقدرتها، سعی دارند به جای استفاده از قدرت نظامی خود که هزینه های بالایی در بر دارد همچنین به دلیل افکار عمومی در کشور خود و در جهان، از قدرت نرم و فضای سایبری برای تسلط بر سایر کشورها استفاده کنند لذا سایبر دیپلماسی و بررسی ابعاد آن در قالب یک پژوهش و با بیان نتایج راهبردی ضروری به نظر می رسد. سایبر دیپلماسی، امروزه از ابزارهای کلیدی ابر قدرتها به ویژه ایالات متحده به حساب می آید و بررسی ابعاد آن برای معرفی چارچوب سایبر دیپلماسی ضروری است.

روش پژوهش:

تحقیق صورت گرفته از نظر هدف و نحوه گردآوری اطلاعات یک تحقیق کاربردی است این بررسی از نوع توصیفی تحلیلی بوده و روش کتابخانه ای برای این تحقیق انتخاب شده است.

تعریف سایر دیپلماسی:

به طور خلاصه می توان گفت دیپلماسی رسانه ای از حیث هدف، ابزار، متدولوژی و دوره زمانی با دیپلماسی عمومی فرق می کند. به عبارت ساده تر، استفاده دیپلماتیک کردن از رسانه و دست یابی به مقاصد دیپلماتیک از طریق رسانه، حیطة شمول دیپلماسی رسانه ای است ولی دیپلماسی عمومی تاثیرگذاری در خارج از مرزها و تسخیر قلب ها و مغزها از هر روشی را شامل می شود که رسانه یکی از این روش هاست. اعزام گروه های هنری، برگزاری جشنواره ها، پذیرش بورسیه های تحصیلی و چاپ و نشر کتاب به زبان های دیگر، همه و همه روش های دیپلماسی عمومی است که هم اینک در دستور کار بسیاری از کارشناسان خبره در دنیای معاصر است (ویکی پدیا). اما سایر دیپلماسی در ساده ترین تعریف، استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطی روز، جهت تبیین، گسترش و ارتقای سطح اثر بخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی می باشد. در سایر دیپلماسی، مخاطبان چه داخلی و چه خارجی، همه از اعضای جامعه اطلاعاتی هزاره سوم هستند. بنابراین فعالانی که در این حوزه اشتغال دارند باید بدانند که مخاطب آن ها، یکی یا گروهی از اعضای خانواده یک و نیم میلیارد نفری کاربران فضای مجازی است (ویکی پدیا). دیپلماسی سایبری را شاید بتوان نوعی از دیپلماسی عمومی تفسیر کرد که شاکله و موجودیت آن از طریق اینترنت و فضای مجازی به وجود آمده است. در واقع با رشد سریع تکنولوژی های ارتباطی کابلی (تلویزیون ها)، ارتباطات بی سیم (رادیو) و در نهایت ظهور فضای مجازی و توسعه ارتباطات و امکان برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات بین مردم جای جای جهان در مدت زمان چند ثانیه ای، انفجاری در فضای دیپلماسی عمومی پدیدار شد و دیپلماسی سایبر به وجود آمد (www.diplomaticcourier.com). به عبارت دیگر این دیپلماسی را می توان اعمال امور دیپلماتیک از طریق کانال سایبر در نظر گرفت، که زمینه تعامل با میلیون ها شهروند خارجی از کشورهای دیگر را فراهم می سازد. از آنجا که دیپلماسی سایبری زیر شاخه ای از دیپلماسی عمومی است، در این دیپلماسی نیز بر خلاف دیپلماسی سنتی که طرفین ارتباط دو دولت و یا هیأت دیپلماتیک هستند، در یکسو یک دولت و در طرف دیگر مردم کشور یا کشورهای دیگر قرار دارند. این ارتباط به جای اینکه از طریق ارسال نماینده و نامه نگاری رسمی صورت گیرد از طریق کانال های مجازی و فضای هدف از این دیپلماسی می تواند تغییر در فرهنگ جوامع دیگر، همسو کردن آنها با سیاست ها و فعالیت های یک دولت خاص، بر پا کردن جنبش اعتراضی از طریق شبکه های اجتماعی، بسیج گروه های برانداز از طریق فضای سایبر، جمع آوری اطلاعات در مورد صف آرای نیروهای اجتماعی - سیاسی طرف مقابل باشد.

دیپلماسی عمومی آمریکا و ایران:

قطع مناسبات میان ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد تا خصومت‌های میان دو کشور به صورت مشکلی پایدار باقی بماند و با گذشت سه دهه از آن، سیاست‌مداران آمریکایی، از ابزارهای گوناگونی برای تغییر رفتار ایران استفاده کنند. آمریکا همواره در رابطه با چهار موضوع: مخالفت ایران با رفتار و سیاست‌های اسرائیل در منطقه و تلاش برای تسلط بر منطقه خاورمیانه، حمایت از گروه‌های تروریستی، وضعیت حقوق بشر و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، از ایران انتقاد کرده است. دولت‌های آمریکا از زمان جیمی کارتر تاکنون همواره تأکید زیادی بر تغییر رفتار ایران در چهار زمینه ذکر شده داشته‌اند و بر این اساس، آمریکا، مجموعه‌ای از سیاست‌های خصمانه، از بلوکه کردن اموال و دارائی‌های ایران در آمریکا گرفته تا تحریم‌های است که به منظور ترویج دموکراسی در ایران در وزارت امورخارجه آمریکا تشکیل شده و قرار است شعبه‌هایی در استانبول، باکو، فرانکفورت و لندن داشته باشد. در این رابطه حتی وزارت خارجه آمریکا در نظر دارد کادری از کارمندان سرویس خارجی خود را آموزش دهد تا بتوانند فارسی صحبت کنند و درک صحیحی از ایران و منطقه‌ای که ایران در آن نفوذ دارد، پیدا کنند (پژوهشنامه سیاست خارجی آمریکا، فروردین ۱۳۸۷). ترس از پدیده تروریسم که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر در جهان غرب فراگیر شده است، زمینه مناسبی را برای مخالفین ایجاد می‌کند تا از طریق معرفی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام حامی تروریسم و مخالف صلح در منطقه خاورمیانه، افکار عمومی توده‌های غربی را علیه ایران بسیج کنند. این تبلیغات رسانه‌ای، در حالی صورت می‌گیرند که جمهوری اسلامی ایران خود در مرزهای جنوب شرقی و غربی اش با معضل تروریسم دست به گریبان است. بنابراین آمریکا تلاش در ارائه تصویری خشونت‌آمیز از اسلام و نظام اسلامی جمهوری اسلامی ایران دارد.

جنگ نرم؛ استراتژی جدید آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران:

پدیده جنگ نرم که هم‌اکنون به عنوان پروژه‌ای عظیم علیه جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است، در شاخص‌هایی مانده ایجاد نابسامانی اقتصادی، شکل‌دان به نارضایتی در جامعه، تأسیس سازمان‌های غیردولتی در حجم گسترده، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی برای ناکارآمد جلوه دادن دستگاه اداری و اجرایی دولت، تضعیف حاکمیت ایران از طریق روش‌های مدنی و ایجاد ناتوی فرهنگی متبلور می‌شود. در برابری جنگ نرم، عوامل براندازی یا از زمینه‌های موجود در جامعه برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند یا به طور مجازی سعی در ایجاد نارضایتی در نزد افکار عمومی و سپس بهره‌برداری از آن دارند. به طور کلی تهدیدات علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برهه زمانی کنونی را می‌توان در گونه تهدیدات نظامی و تهدیدات نرم تقسیم‌بندی کرد. در همین راستا کمیته صلح جاری برای مقامات آمریکایی، نیز تنها راه تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران، را پیگیری جنگ نرم به جای جنگ سخت می‌داند. این استراتژی که دلتا نام دارد سه محور اصلی آن استفاده از تاکتیک‌های دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی می‌باشد. استفاده از مشکلات اقتصادی، تنوع کثرت قومی ایران، ایجاد و دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکل‌های دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی، تلاش در نزدیکی به مردم تحت پوشش حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در ایران، ایجاد شبکه‌های متعدد رادیو - تلویزیونی فارسی زبان حمایت

از اپوزیسیون (سفر فعالان جوان خارجی از کشورهای متحد با آمریکا به ایران تحت عناوین جهانگرد که در صورت نیاز، به جنبش‌های مدنی و نافرمانی‌ها پیوندند)، تسهیل فعالیت N.G.O امریکایی در ایران، دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج برای شرکت در سمینارهای کوچک (این افراد باید از سوی مقامات امریکایی انتخاب شوند نه نهادهای ایرانی)، استفاده از سفارتخانه‌های کشورهای دیگر و به طور کلی تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران از جمله راهکارهای اجرای استراتژی دلتا به شمار می‌آیند.

دلایل به کارگیری قدرت نرم علیه جمهوری اسلامی ایران:

قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزاری چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد استفاده از راهکارهای قدرت نرم در جنگ نرم از اهمیت زیادی برخوردار است. ژوزف نای از پیشگامان طرح قدرت نرم در سال ۱۹۸۹ می‌گوید: قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر، از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند "اطلاعات و دانایی" را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز بگیرد. مونوپولی اطلاعات و دانایی مرکز دیپلماسی نیست، بلکه خود دانش و گسترش آن است که باید نقطه قوت دیپلماسی باشد. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد قدرت متراکم و سخت آمریکا دچار بحران اساسی شده است، به همین منظور آمریکا در صدد به کارگیری قدرت نرم برای مقابله با حریفان خود به خصوص ایران است. به نظر می‌رسد قدرت به اصطلاح سخت آمریکا در چنبره قدرت نرم رسانه‌ها گرفتار شده است و خاورمیانه با پیچیدگی‌ها و تنوع خاص فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای خود، به خطرناک‌ترین دام برای آمریکا تبدیل گردیده است. به گونه‌ای که ایجاد و رشد شبکه‌های خبری مستقل در این منطقه، ضربه سختی را بر وجهه و موقعیت آمریکا در منطقه وارد کرده است. شبکه‌های خبری همچون الجزیره، روند هدایت افکار عمومی و مسلمانان علیه آمریکا را وارد فاز جدیدی کرد. (هرچند این شبکه فعلاً توسط انگلیس خریداری شده است) علاوه بر این با اشغال عراق و افغانستان و فشار بر سوریه و لبنان از یک سو و بهانه‌جویی و شرارت آمریکا در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، از سوی دیگر بازی باخت - باخت آمریکا در خاورمیانه، بسیار روشن‌تر و خطرناک‌تر شده است، گروه‌های ضدآمریکایی با گرایش‌های سلفی - تکفیری رشد و توسعه برق آسایی را تجربه کردند و افکار عمومی منطقه خاورمیانه هم به شدت ضدآمریکایی‌تر شد. افتضاح زندان‌های ابوغریب و گوانتانامو، بحران افکار عمومی را برای امریکایی‌ها، سیاه‌تر و مشکل‌تر کرد. از سوی دیگر چالش هسته‌ای ایران و آمریکا نیز تاکنون با ناکامی و البته خشم امریکایی‌ها روبه‌روابط عمومی، شده است و آنها عملاً نتوانسته‌اند ایران را در چارچوب شورای امنیت تحت فشار بگذارند.

جنگ رسانه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران:

بنیادی‌ترین تعریف از جنگ رسانه‌ای استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منابع ملی است. جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است.

جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیوها و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد، اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام سیاست رسانه‌ای یک کشور نهفته است که به طور مستقیم توسط بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی آمریکا تغذیه می‌شود. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات، استراتژیست‌های تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. اگرچه توجه مطبوعاتی آمریکایی به مسائل ایران بسیار اندک بوده و به ندرت رویدادهای جاری ایران در این رسانه‌ها بازتاب می‌یابد، اما یک خط‌مشی کلان و محوری بر این رسانه‌ها حاکم است که بر اساس آن فقط اخبار منفی از ایران بر روی صفحات این نشریات نقش می‌بندد و عمده گزارش‌های خبرنگاران مطبوعات غربی از ایران، یا مربوط به بحران‌های سیاسی، اجتماعات، زدوخوردها و تضاد حاکمیت با مردم و یا مربوط به موضوعات کلیشه‌ای و تکراری مانند نقض حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی و نقش آزادی‌های سیاسی و مدنی است. این رسانه‌ها همچنین با انتشار اخبار سری و محرمانه یا اخبار هدایت‌شده از سوی دستگاه‌های سیاست خارجی و اطلاعاتی کشور متبوع خود، به ایجاد فضا و جوسازی علیه ایران می‌پردازد. ریشه‌یابی بسیاری از جریان‌سازی‌های رسانه‌ای علیه ایران، برای اولین بار نشان می‌دهد که این رسانه‌ها که عمدتاً وابسته به محافل صهیونیستی بوده‌اند با جعل یا انتشار مغرضانه برخی اطلاعات، اقدام به ایجاد محور فشار علیه ایران کرده و بیشتر رسانه‌های بین‌المللی تحت تأثیر فضای ایجاد شده، به دنباله‌روی از آن مسئله و دامن‌زدن به بحران خبری و سیاسی پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر، با محوریت یافتن مسائل ایران، بسیاری از مطبوعات آمریکا، اقدام به اعزام خبرنگار یا تأسیس و تقویت دفاتر نمایندگی در ایران به طور غیر قانونی کرده‌اند (جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات آمریکا، ۹۱). هر چند هنوز بسیاری از طرح‌ها و برنامه‌های آمریکا در قبال ایران در قالب دیپلماسی عمومی آمریکا منتشر نشده است، اما می‌توان برخی اقدامات و تصمیمات دولت آمریکا در این چارچوب را در نظر گرفت. از جمله کنگره آمریکا بودجه ۷۵ میلیون دلاری را برای سال مالی ۲۰۰۶، تصویب کرد که در گزارش وزارت امور خارجه به صرف بیش از ۶۶ میلیون دلار آن در بخش برنامه‌های رادیویی و ماهواره‌ای، حمایت از گروه‌های مخالف و حمایت از فعالان سیاسی و اجتماعی، اقدامات آموزشی و مراودات فرهنگی و کمک به فعالیت‌های اینترنتی در ایران پرداخته شده است. در این گزارش به تفصیل به هر کدام از این سه بخش و میزان بودجه هزینه شده اشاره شده است به طوریکه در بخش برنامه‌های رادیویی و ماهواره‌ای، بیش از ۳۶ میلیون دلار برای رادیوهای صدای آمریکا به فارسی (رادیویی و ماهواره‌ای)، رادیو فردا و رادیو آزادی هزینه شده است. در بخش حمایت از گروه‌های مخالف و حمایت از فعالان سیاسی و اجتماعی نیز بیش از ۲۰ میلیون دلار برای حمایت از برنامه‌های گسترش دموکراسی در ایران و حمایت از فعالان حقوق مدنی و حقوق زنان صرف شده است. در بخش اقدامات آموزشی و مراودات فرهنگی و کمک به فعالیت‌های اینترنتی نیز بیش از ۱۰ میلیون دلار هزینه شده است. همچنین رئیس‌جمهور آمریکا برای سال مالی ۲۰۰۸، از کنگره بودجه‌ای معادل ۱۰۸ میلیون دلار را در قالب دیپلماسی عمومی در قبال ایران تقاضا کرده است (پژوهشنامه سیاست خارجی آمریکا، فروردین ۱۳۸۷). آمریکا در پی انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۸ سعی داشت تا با استفاده از فضای سایبری و رسانه‌های دیداری و مجازی مخالف جمهوری اسلامی

ایران، در جهت اهداف خود بهره ببرد. همچنین در سالهای بعد نیز در رابطه با موضوعات مختلف به ویژه موضوع انرژی هسته ای ایران نیز تبلیغاتی علیه ایران در رسانه های بیگانه و فضای مجازی به راه بیندازد.

دیپلماسی سایبری ایالات متحده آمریکا:

فراخوانی در فضای مجازی برای ثبت نام در دوره آموزش از راه دور دیپلماسی سایبری برای کشورهای عضو ناتو و متحدان آمریکا در سال ۲۰۱۳ منتشر شد. در ابتدای این فراخوان مقدمه ای درباره دیپلماسی سایبری آورده و آن را یک روش جدید درآمدتکامل مداوم روابط دیپلماتیک میان ملتها و اکثر دولتها، دیگر روابط گروه ها و نهادهای مرتبط می داند. در حقیقت دیپلماسی سایبری جزء جدایی ناپذیر از این واقعیت است که استفاده از فن آوری های ارتباطی جدید (اینترنت، دستگاه های تلفن همراه و دیگر پیام های الکترونیک) برای ایجاد فرصت تعامل منحصر به فرد با بسیاری از مخاطبان عمومی گسترده تر با ادغام و استفاده از روش های الکترونیکی با طیف رو به رشدی از همبستگی سیستم جهانی را به رسمیت می شناسد. توجه داشته باشید دیپلماسی سایبری از نزدیک مرتبط بوده و یا بخشی از دیپلماسی عمومی و دیپلماسی مجازی است که می تواند نماینده واقعی دیپلماسی باشد. ایالات متحده آمریکا برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ در زمان رئیس جمهوری جورج بوش دیپلماسی سایبری را به کار گرفت. با این حال ایالات متحده آمریکا به طور رسمی دیپلماسی سایبری را در سال ۲۰۰۹ در یک آگاهی عمومی و مبارزات انتخاباتی تبلیغ و راه اندازی کرد. در ماه می ۲۰۱۱ دولت ایالات متحده یک استراتژی بین المللی برای فضای سایبر منتشر کرد که جزا اولویت های سیاست خارجی اش است. دیپلماسی سایبری یک بار دیگر در مرکز صحنه های بین المللی پس از سخنرانی یک سخنگوی اتحادیه اروپا در مرکز توجهات اکثریت مردم قرار گرفت به ویژه با افشاگری هایی که توسط سایبری صورت گرفت اکنون یک انگیزه برای سیاست است و دیپلماسی سایبر یک ضرورت جدید برای دولت ها در سراسر جهان است. این ابزار جدید (دیپلماسی سایبری) پدید آمده است برای کمک به دیپلمات ها در انجام رسالت خود و دارای نظم و انضباط است. دیپلماسی سایبری حمایت می کند از اهداف سیاست خارجی و پیشبرد اهداف منافع ملی و افزایش امنیت ملی از طریق تلاش های الکترونیک و به اطلاع رسانی و نفوذ مسائل خارجی و همچنین بهبود، گسترش و تقویت روابط بین کشورهای سراسر جهان کمک می کند. در این زمان دیپلماسی سایبری است که توسط کشورهای متعدد اعمال شده و طیف گسترده ای از منافع را در فضای مجازی در بر دارد. یک کلید جنبه دیپلماسی سایبر هماهنگی و استفاده از قدرت نرم به سمت دستیابی به اهداف و مقاصد خاص است. قدرت نرم تعریف می شود به عنوان استفاده از یک روش قانع کننده که در پیگیری فعال بر روابط بین المللی موثر است. این نشان دهنده توانایی رسیدن به یک دولت ملت یا دولت مجازی با اهداف بدون استفاده از زور است. گاهی اوقات این اشاره "به فشار غیر مستقیم" است. تکنیک هایی که در دیپلماسی سایبری در عمل مورد استفاده قرار می گیرد و در حال افزایش و پیچیده شدن کشورهای بیشتر و بیشتر به عنوان دولت مجازی است که به شدت همه را درگیر می کند. تکنیک ها با یک برنامه به آدرس های متعدد ساخته شده و جنبه های اصلی این حرفه در حال ظهور است. برنامه دیپلماسی سایبری ما برای کمک به دیپلمات ها و کارکنان طراحی شده تا خود را برای انطباق کشورداری سستی خود با ایجاد تحول استراتژی های دیپلماتیک آماده و به مقابله با چالش های قدیمی

پپردازند این برنامه آموزش از راه دور خود گامی اساسی است و به عنوان کتاب همراه دیپلمات های سایبری است. متن الکترونیکی ۳۷۰ صفحه، درک اساسی از مفاهیم و اصول اینترنتی طرح ریزی شده قدرت در عرصه ی جهانی را فراهم می کند. این کتاب همراه، راهنمایی و روش هایی برای پایان موفقیت آمیز این برنامه است. آن شامل سه تکالیف پژوهش از موضوعات خاص مربوط به دیپلماسی سایبر و با یک آزمون چند گزینه ای است. برآورد مصرف این برنامه بین یک تا دو ماه به اتمام می رسد. نتایج برنامه های تحقیقاتی و همچنین امتحان نهایی معمولاً در عرض یک هفته پس از دریافت، داده می شود. گواهی پایان دوره برای تمام کسانی صادر می شود که با موفقیت آمیز این برنامه را به اتمام رسانده باشند. ثبت نام این برنامه محدود به کشورهای عضو ناتو و متحدان آمریکا است (www.technolytics.com). فرانتس استفان محقق مؤسسه شرق و غرب^۱ در واشنگتن دی سی آمریکا در تحقیقی سایبر دیپلماسی را مؤثر بر مطالعات امنیتی و به ویژه در پروژه اصلاح امنیت ملی آمریکا می داند. ایشان سیاست آمریکا را بدون سایبر دیپلماسی یک صندوق بدون سود می داند که اصلاح ساختاری می خواهد این مهم نشان می دهد که امنیت ملی در آمریکا با توجه به سایبر دیپلماسی نیازمند مطالعات داهبردی، مطالعات بین المللی در تمام زمینه ها حتی اقتصاد است. روسیه، ایالات متحده آمریکا درها را به سمت دیپلماسی سایبری باز می کنند یافته های این مقاله توسط فرانس استفان گادی و گریج اوستن در مؤسسه غرب و شرق با مشاوره هایی که در مسکو، واشنگتن و بروکسل با متخصصان این شهرها در زمینه امنیت سایبر صورت گرفته و همچنین در مصاحبه ای که در مارس ۲۰۱۰ در مسکو با متخصصان روسی در امنیت سایبر از هر دو دولتی و بخش خصوصی انجام دادند به دست آمده است که توجه مخاطبان را به آن جلب می کنیم:

روسیه و ایالات متحده آمریکا در دیپلماسی دوجانبه، قادر به ایجاد یک درک مشترک در بسیاری از جنبه های امنیت سایبری نشده اند. علی رغم اعلام خود در سال ۱۹۹۸ مبنی بر رهبری مشترک در رابطه با پاسخ های جهانی به چالش های امنیت سایبری، دو کشور، دوست ندارند دشمنان از اسرار امنیتی شان با خبر شوند و به همین دلیل آنها سعی کردند نه به عنوان متحدان متعهد، بلکه در جهت منافع مشترک به محافظت اقتصاد دیجیتال جهانی و شبکه های جهانی اجتماعی پردازند. سوابق تاریخی قانع کننده نشان می دهد که روسیه و ایالات متحده می توانند بر یک تهدید بالقوه جهانی که در رابطه با امنیت ملی وجود دارد غلبه کنند و بسیاری از کشورها با وجود حساسیت های امنیت ملی آماده همکاری برای غلبه کردن برای تهدیداتی که امنیت سایبری آنها را به مخاطره می اندازد هستند. روسیه و ایالات متحده اقداماتی برای نظارت مشترک در این زمینه تصویب کردند. اخیراً توافقنامه ای مشترک بین آمریکا و روسیه در زمینه امنیت در فضای سایبری صورت گرفته که حتی بانکهای آمریکایی و روسی در این ارتباط دیجیتال بی نصیب نمانده اند. آمریکا و روسیه از دو زاویه مختلف در امنیت سایبری نزدیک به هم هستند. تمرکز آمریکا بر روی قوانین استراتژیک است که این قانون با قوانین داخلی در ارتباط است روسیه بیشترین تمرکزهایش بر

^۱. مؤسسه غرب و شرق یک سازمان سیاسی است که تمرکز خود را بر روی چالشهای پیش روی صلح گذاشته است و این مؤسسه در سال ۱۹۸۰ به عنوان ساختاری

مطمئن و دارای توسعه راهبردی جهت ارتقاء تغییرات مثبت ایجاد شده است این مؤسسه دارای دفاتری در نیویورک، بروکسل و مسکو است.

نیروی سایبری است. اهمیت روابط سایبر دیپلماسی بین دو کشور به حدی است که در سال ۲۰۰۹ یک جلسه در کمیته سازمان ملل بر روی امنیت ملی و خلع سلاح برگزار شد. در این راستا، مذاکرات بین دو طرف بر تقویت امنیت اینترنت و محدودیت استفاده از فضای سایبری ارتش بوده که در این زمینه دو طرف به توافق رسیدند. آمریکا، امنیت فضای سایبری خود را برای چند سالی بر روی سیاست متمرکز کرد و اهداف خود را از اعلام اهداف امنیت سایبری در می ۲۰۰۹ کنترل این فضا توسط دولت وقت آمریکا «اوباما» دانست و ترجیح داد تا موضوع امنیت سایبری را در سطحی جدید نشان دهد. این مقاله به تشریح استدلال برای هل دادن برای پیشرفت و همکاری سریع تر در زمینه امنیت سایبری در ایالات متحده و روسیه است. میل روسیه و آمریکا برای امنیت سایبری در کشورشان باعث شد از دسامبر ۲۰۰۹ مشورت هایی جدید بر روی امنیت سایبری در چارچوب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل و مذاکرات صورت گرفته، انجام شود. این مقاله به بررسی موانع و راه هایی برای غلبه بر تهدیدات امنیت سایبری می پردازد و در چهار مورد کلیدی " زیرساخت های عمومی "، " پاسخ سریع به جرایم اینترنتی "، " شور و مشورت با سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) در قوانین جنگ سایبری "، " همکاری های امنیتی سایبری روسیه و ناتو " امکان همکاری بین دو کشور را فراهم می کند.

نتیجه گیری :

شدت و سرعت رشد تکنولوژی دیجیتالی و توسعه رسانه در فضای سایبری به گونه ای است که دیپلماسی سایبری تبدیل به عضو لاینفک عرصه دیپلماسی عمومی و پیرو آن سیاست های خارجی کشورهای مختلف شده است. این عرصه نوین، از آنجا که در فضای نوین مجازی پدید آمده دارای ویژگی های نامحسوس و بدیع است، سرعت بالای تبادل اطلاعات، هویت مجازی، تعدد کانال های ارتباطی و اتصالی و به روز شدن مستمر تکنولوژی های این حوزه، به ویژگی های یادشده دامن می زند. در حقیقت، دیپلماسی سایبری با استفاده از فن آوری های ارتباطی جدید (اینترنت، دستگاه های تلفن همراه و دیگر پیام های الکترونیک) فرصت تعامل منحصر به فرد گسترده ای با بسیاری از مخاطبان عمومی را ایجاد می کند. یک جنبه دیپلماسی سایبر هماهنگی و استفاده از قدرت نرم به سمت دستیابی به اهداف و مقاصد خاص است. آمریکا دریافته است که اتکاء بیش از حد به قدرت سخت به تنهایی ضامن موفقیت نیست لذا در صدد است تا با استفاده از قدرت سایبر دیپلماسی به قدرت هوشمند دست یابد. به همین منظور به سوی استراتژی دیپلماسی شبکه ای، بسیج افکار عمومی آمریکا به منظور مشغول شدن در اینترنت و همچنین کنش متقابل گسترده با مخاطبان خارجی، روی آورده است. در سالهای اخیر دولت آمریکا با اتخاذ استراتژی دیپلماسی سایبری به عنوان بخش مهمی از دارایی ها و ارتباطات استراتژیک این کشور، سعی در القاء و تحمیل اهداف خود بر دیگر کشورهای جهان دارد. دیپلماسی سایبری، به قدری برای آمریکا اهمیت دارد که با انتشار فراخوانی در سال ۲۰۱۳ در فضای مجازی برای کشورهای عضو ناتو و متحدان آمریکا، اقدام به آموزش از راه دور کرده است. آمریکا همچنین چند سالی است که سیاست خود را بر روی امنیت فضای سایبری متمرکز کرده است با قراردادی که در سال ۲۰۰۹ با روسیه بسته سعی دارد بر تهدیدات امنیت سایبری، غلبه و از جرایم سایبری، جلوگیری کند. سیاست و اولویت اصلی برای امنیت سایبری آمریکا، حفاظت از فن آوری داخلی و جلوگیری از اختلالات دسترسی غیر

مجاز و یا هر نوع دیگر از تداخل با تاکید بر جنبه های فن آوری امنیت سایبر است. آمریکا با استفاده گسترده از فضای مجازی می ترسد اطلاعات محرمانه اش توسط هکرها، هک شود. ایالات متحده معتقد است که خطر کلیدی برای امنیت سایبری سرچشمه در حملات اینترنتی توسط جنایتکاران سازمان یافته، هکهای فردی و بازیگران غیردولتی از جمله تروریست ها دارد. در امریکا عدم حفاظت از فضای مجازی یکی از ضروری ترین مشکلات امنیت ملی است. با این حال در حال حاضر می توان به خوبی تأثیر دیپلماسی سایبری را در سیاستگذاری های امنیتی - راهبردی ایالات متحده آمریکا را دید همچنین این کشور سعی دارد با استفاده از این روش به جای قدرت نظامی به اهداف خود در منطقه خاورمیانه به ویژه ایران دست یابد.

منابع:

۱. امینی، آرمین، حمله آمریکا به عراق: تلاش برای اقناع افکار عمومی، ۱۳۸۲، فصلنامه عملیات روانی سال اول شماره ۲.
۲. پژوهشنامه سیاست خارجی آمریکا، فروردین ۱۳۸۷.
۳. لنون، الکساندر، ترجمه سید محسن روحانی، کاربرد قدرت نرم، ۱۳۸۹، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۴. نای، جوزف، ترجمه محمدرضا گلشن پژوه، رهبری و قدرت هوشمند، ۱۳۸۷، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
۵. نای، جوزف، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ۱۳۸۹، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۶. جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات آمریکا، ۱۳۹۱.
7. http://en.wikipedia.org/wiki/United_States_cyber-diplomacy
8. <http://www.diplomaticourier.com/news/regions/brics/1808-china-the-internet-and-the-birth-of-cyber-diplomacy>
9. International Cyber Diplomacy: Promoting Openness, Security and Prosperity in a Networked World". The Office of Electronic Information, Bureau of Public Affairs. 14 July 2011. Retrieved 2 April 2012, p12-26
10. www.technolytics.com
11. Ministerial Council Decision No. 2/09, Further OSCE Efforts to Address Transnational Threats and Challenges to Security and Instability, December 2, 2009, http://www.osce.org/documents/cio/2009/12/41869_en.

